

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهزاد مالکی
۰۷ جنوری ۲۰۱۸

مکسیکو در جست و جوی خروج از گرداب بحران اقتصادی!؟

۴

رابطه مکسیکو با امریکا و پیچیدگی های آن:

اولین بار زیر حکومت دیاز - Diaz (۱۸۷۶-۱۸۸۰) به بهانه مدرنیزاسیون کشور، صادرات مواد معدنی و کشاورزی به امریکا آغاز شد. در طی تجربه های بعدی صادرات بر مواد کارخانه ای استوار گردید و به ویژه در طی حکومت سالیناس (۱۹۹۴-۱۹۸۸) مدلی اقتصادی برپایه صادرات با کمک بانک جهانی- صندوق بین المللی پول و بانک توسعه بین امریکائی شکل گرفت که مکیلا دورا Maquiladora نام دارد. واحدهای صنعتی مونتاژ معاف از مالیات متکی بر نیروی کار ارزان مکسیکوئی عمدتاً برای صادرات در طول مرزهای بین امریکا و مکسیکو که از سال های ۶۰ آغاز شده و در دهه های آخر قرن شدت گرفت. در سال ۲۰۰۰، نزدیک به ۴۰۰۰ تا از این واحدها در این مناطق آزاد به وجود آمده بود. با ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار کارگر - ۸۰ درصد صادرات کارخانه ای و نزدیک به ۹۰ درصد کل صادرات با احتساب نفت و کشاورزی و ... به سمت امریکا سرازیر می شد. با شروع بحران ها و به ویژه از سال ۲۰۰۸ نزدیک به ۱۲.۵ درصد این کارخانه ها بسته شد و نزدیک به یک سوم نیروی کار اخراج شده و ۴۰ درصد سرمایه گذاری ها کم شد. این مسأله یک اقتصاد وابسته به امریکا و هدایت شده توسط آن را با سیاست سرکوب و اختناق و فساد مالی عمومی در مکسیکو سامان داد که به مدت چندین دهه تا به امروز ادامه دارد. تناقض این سیستم در اینست که رشد سرمایه گذاری ها و صادرات به ثروتمند شدن کشور نینجامیده است. ۴۲ درصد ارزش صادرات از واردات قطعات یدکی است که از امریکا وارد می شود. این سیستم نتوانسته به رشد تکنولوژی و سرمایه گذاری های ثابت و تربیت کادرهای مناسب برای تداوم بخشیدن به یک رشد اقتصادی متوازن منجر شود که مکسیکو برای خروج از یوغ امریکا به آن احتیاج دارد. سران و نخبگان مکسیکو برای پر کردن جیب خویش راهی جز به حراج گذاشتن مرزها و محیط زیست و مالیات ها نیافته اند. در واقع دو بخش اقتصادی صادرات فعال رقابتی و بازار داخلی به هم کمک نرسانده اند. مکسیکو با وارد شدن در «GATT» در ۱۹۸۶ و بعداً «نفتا» و «OMC» که به جای «GATT» نشست، دست و پای خود را بسته و در اختیار این سازمان های ابزار دست سرمایه داری جهانی قرار داد.

یک ویژگی اقتصاد مکزیکو که در رشد ناکافی اقتصاد آن کشور و رشد ناچیز بارآوری کار در آنجا خود را نشان می دهد پائین بودن سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه است. میزان کل سرمایه گذاری مکزیکو در این زمینه ۰.۵٪ تولید ناخالص داخلی در سال است در حالی که در چین ۲٪ تولید ناخالص داخلی برای تحقیق و توسعه صرف می شود و در کوریای جنوبی این نسبت ۴.۲۳٪ و در جاپان ۳.۱٪ است.

فضای اقتصاد داخلی در تنگناهای ضعف سرمایه گذاری و استثمار شدید - فساد و دزدی ورقابت نابرابر، فقر و فاقه کارگران و زحمتکشان و دهقانان و مهاجرت های میلیونی را دامن زد. قرارداد «نفتا» به کشاورزان امریکائی اجازه داد که با استفاده از یارانه های دولتی، تولیدات ارزان خود را از جمله لوبیا سبز- برنج- ذرت و ... که خوراک غالب مردم و محصولات اصلی تولیدی توسط دهقانان مکزیکوئی است، روانه بازار مکزیکو کنند. امری که به ورشکستگی و بدهکاری میلیون ها کشاورز مکزیکوئی و پاشیده شدن شیرازه واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که در سال های ۳۰-۴۰ رشد یافته بودند، منجر شد. بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ - سالانه ۴۰۰ هزار تن از کشاورزان و کارگران که روستاها را خالی کرده و روانه شهرها می شدند، راهی جز مهاجرت به امریکا نمی یافتند. در ۲۰۰۹، ۱۲ میلیون مهاجر مکزیکوئی در امریکا به سر می بردند. این سیستم با ورود چین به «OMC» و دسترسی اش به بازارهای امریکا، دچار لرزش هائی گردید. در ۲۰۱۲ - «PRI» بعد از ۱۲ سال، دوباره به قدرت رسید و این بار خصوصی سازی ها و آزاد سازی بازار نیروی کار آهنگی شدید تر یافت. به ویژه خصوصی سازی شرکت ملی نفت - PEMEX - و صنایع انرژی که برای مکزیکوئی ها اهمیت زیادی دارد. با افت قیمت نفت و پائین آمدن صادرات آن، اقتصاد مکزیکو دچار حالت انقباضی و خفگی گردید. مثل همیشه، سرمایه داران مکزیکوئی می خواهند بار بحرانهای خود را به سر کارگران و زحمتکشان بیندازند. سطح پائین حقوقها - سطح دستمزدها بین ۵ تا ۷ درصد از چین پائین تر است - فقر بالارونده، وزن بالای اقتصاد موازی، ضعف سیستم اعتبارات محلی، تقاضای داخلی را دچار آنچنان وضعی کرده است که استفاده از شرایط کنونی برای خروج از تنگناهای وابستگی به امریکا شانس زیادی ندارد.

ترمپ و مکزیکو

با آمدن ترمپ از ۲۰ جنوری ۲۰۱۷ تعرض های او به مکزیکوئی ها آغاز شد. با اعلام و اتخاذ سیاست هائی علیه مکزیکو، این کشور با یک سونامی روبه رو گردید. ترمپ با اعلام این که قرارداد «نفتا» مثل «برجام» بدترین قرارداد امضاء شده توسط امریکاست، به هراس حاکمان مکزیکو دامن زد.

برقراری مالیات ۳۵ درصدی به واردات اتومبیل و ۲۰ درصدی به سایر واردات از مکزیکو، ضربه بزرگی به اقتصاد مکزیکو است که ۲۸ درصد تولید ناخالص ملی اش از این صادرات فراهم می شود. اهم اقدامات او علیه مکزیکو به قرار زیر است:

کشیدن دیوار در مرزهای بین مکزیکو و امریکا با هزینه مکزیکو

فسخ یا تجدید قرارداد نفتا که در ۱۹۹۴ منعقد شده است

دستور توقف سرمایه گذاری امریکائی ها در مکزیکو

قول اخراج ۳ میلیون مهاجر و کارکن مکزیکوئی از امریکا

او در جنوری ۲۰۱۵ بالحنی تحقیر آمیز و نژادپرستانه، خطاب به مکزیکوئی ها گفت: «مکزیکوئی ها مردمانی مثل ما نیستند، مکزیکو آدم های مسأله دار برای ما می فرستند. آنها با خود مواد مخدر، بزهکاری و تجاوز می آورند.»

وزیر تجارت ترمپ، میلیاردر ویلبر راس Vilber Ross می گوید: ایالات متحده جنگی نابرابر را در طی ده ها سال تحمل می کند، که حاصل آن موازنه منفی در تجارت خارجی است. در ۲۰۱۶ آمریکا با کسری ۵۰۰ میلیارد دلاری روبه رو بوده که ۱۲ درصد آن به مکزیکو مربوط است. از این رو بازنویسی پیمان «نفتا» در دستور کار قرار گرفت. ترمپ دستور تغییر مکان جغرافیایی مؤسسات آمریکایی مستقر در مکزیکو را داده است و انتظار دارد که با این امر تغییر موازنه تجارت خارجی و بازسازی صنایع داخلی را تأمین خواهد کرد.

سیاست های دیکته شده توسط کاخ سفید، نه تنها مؤسسات آمریکایی بلکه کمپانی های کشورهای دیگر را نیز مجبور به تغییر سیاست هایشان در مکزیکو کرده است. کمپانی های چون سامسونگ، فورد، کرایسلر... بسیاری از پروژه های توسعه را در مکزیکو رها کرده اند. بسیاری از پروژه های که انحصارات مکزیکویی در آنها شریک اند. برای اولین بار نخبگان مکزیکویی متوجه شدند که برای وابستگی به آمریکا، آنها هم باید مثل توده مردم، تاوان بدهند.

روابط نابرابری که ترمپ و دار و دسته اش، از آن می نالند، در حقیقت نه در موازنه منفی تجارت با مکزیکو، بلکه در درجه غارت و استثمار است که کارگران و زحمتکشان و دهقانان این کشور از این بابت متحمل می شوند. سطح دستمزدها، مثلاً در صنایع مونتاژ اتومبیل در مکزیکو با در نظر گرفتن برابری بارآوری، یک دهم آمریکاست. بعد از قرارداد «نفتا»، اقتصاد مکزیکو به جز بخش مواد نفتی، مورد هجوم سرمایه گذاران خارجی واقع شد. امری که به نظر سردمداران مکزیکویی امری مثبت تلقی می شد.

تحقیر هزاران هزار مردمی که از مصیبت فقر و خشونت و بیکاری گریخته تا با تن دادن به استثماری شدید در آمریکا، اندکی آرام بگیرند، خشم همه مکزیکویی ها را به ضد سیاست های آمریکا دامن زد و انتخابات آن را به چپ کشاند.

حرکت کاروانی مرکب از صدها هزار مهاجر از کشورهای آمریکای لاتین در ماه نومبر، به ویژه هندوراس، گواتمالا و السالوادور در حالی است که ترمپ هشدار داده است که حرکت این کاروان مهاجران باید متوقف شود و تهدید کرده است، برای مقابله با آنها از نیروی نظامی استفاده خواهد کرد و همچنین از قطع کمک های منطقه ای، بستن مرز آمریکا با مکزیکو و دیوار کشی بلندتر در مقابله با ورود مهاجران خیر داده است. در حالی ترمپ بار دیگر کشورهای آمریکای لاتین را به قطع کمک های منطقه ای تهدید کرده است که فقر و شرایط وخیم اقتصادی از جمله مهمترین دلایل مهاجرت بسیاری از شهروندان این کشورها به مکزیکو و آمریکاست.

ابراذر با اعلام همبستگی با همه پناهندگان مکزیکویی در آمریکا و این که «ما تحت حمایت آمریکا نیستیم» از این وضعیت بخوبی استفاده کرد. او با ۵۴ درصد آراء به حکومت ۷۷ ساله حزب انقلابی نهادی RPI خاتمه داد. پیروزی ائتلاف «با هم تاریخ را خواهیم ساخت» که حول نامزدی «آملو» جمع شده اند، اکثریت را در فرمانداری و حکومت مکزیکو سیتی و اکثر ایالت ها به دست آورده است (مکزیکو جمهوری فدرال است). حمایت اکثر رسانه های بزرگ بورژوازی چون «تلویزا» و «تلویزیون آرتک» از او نشان می دهد که طبقه حاکم مکزیکو در مقابل بحران عمیق کشور دست به انتخابی جدید زده است. شعار «اتحاد ملی» ابرادر برآن است که وانمود کند که برنامه سیاسی- اقتصادی اعلام شده او "فرا طبقاتی" است.

ابراذر به مردم آمریکا خاطر نشان ساخت که آنها نیز قربانیان یک سیاست عوامفریبانه رهبرانشان هستند که می کوشند با بزرگ کردن مشکلات حضور مهاجران، آنها را از درک علل واقعی بحرانی که از ۲۰۰۸ گریبانشان را گرفته، منحرف کنند. در واقع دولت آمریکا «بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳- مبلغ ۱۶۰۰۰ میلیارد دلار برای نجات مؤسسات مالی، از حساب مردم، پول به حساب آنها واریز کرده است.» (el-pais - ۲۶ فیرووری ۲۰۱۳) دولت با کاستن هزینه های

عمومی بخشی از این حاتم بخشی ها را جبران کرده و مبلغ ۱۷۰۰۰ میلیارد دلار وام بالا آورده است. در حالی که بین سال های ۲۰۰۵-۲۰۱۲-۱۴۲۸۷۶۸۷ نفر به خاطر نپرداختن وام های مسکن از منازلشان اخراج شده اند.

لوپز ابرادر به رغم انتقادهایی که از سیاست ترمپ، به ویژه به هنگام مبارزات انتخاباتی اش، به عمل آورد اکنون که به قدرت دست یافته خواهان همکاری با ایالات متحده به ویژه در زمینه های اقتصادی و مسایل مربوط به مهاجرت (چه مهاجران مکسیکوئی به امریکا و چه مهاجران امریکای مرکزی و جنوبی که از طریق مکسیکو خواهان رفتن به ایالات متحده هستند)، قاچاق مواد مخدر، جنایت سازمان یافته و غیره است. ابرادر خواهان سرمایه گذاری وسیع خارجی (از جمله و به ویژه سرمایه گذاری ایالات متحده) در مکسیکو است و برای این کار در نظر دارد پروژه های بزرگی در زمینه احداث زیرساخت ها، کاهش مالیات ها، کاهش بهای انرژی و دیگر مشوق های سرمایه گذاری خارجی انجام دهد. او همچنین خواستار مذاکره با امریکا و کانادا در زمینه تقویت توافق تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) است.

ابرادر برای خارج کردن مکسیکو از بحران به دنبال ایجاد تغییری معنی دار در ساختار اقتصادی - اجتماعی مکسیکو نیست بلکه همان ساختار موجود را از طریق مبارزه با فساد (که از نظر او دشمن اصلی است) و افزایش نسبی دخالت دولت در اقتصاد می خواهد اصلاح کند. در رابطه با امریکا نیز خواهان افزایش سرمایه گذاری ایالات متحده در مکسیکو است که در سال های اخیر روند کاهشی داشته است. طبق داده های اداره تحلیل اقتصادی BEA امریکا، میانگین سرمایه گذاری سالانه ایالات متحده در فاصله سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ برابر ۷۹۴۹ میلیون دلار بوده که در فاصله سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ این میانگین به ۶۶۸۸ میلیون دلار کاهش یافته است. ابرادر و مشاورانش همچنین مخالفتی با عضویت در نفتا ندارند و خواهان ادامه و حتی گسترش فعالیت آن هستند. برای تفصیل بیشتر در مورد سیاست ابرادر نسبت به ایالات متحده به پیوست ۳: نامه ۱۲ جولای ۲۰۱۸ لوپز ابرادر به دونالد ترمپ رجوع کنید.

سهم مکسیکوئی های ساکن امریکا حدود ۸ درصد از تولید ناخالص امریکا است و این شامل درآمد کارگران کارخانه ها، کشاورزان، معلمان، پزشکان و مؤسسات صنعتی و تجاری است. مکسیکوئی های ساکن امریکا به طور متوسط سالیانه حدود ۲۴ میلیارد دلار برای کمک به خانواده هایشان به مکسیکو می فرستند.

جدول زیر کل مبالغ ارسالی مکسیکوئی های ساکن امریکا به مکسیکو در سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ را نشان می دهد (ارقام به میلیارد دلار):

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
مبلغ ارسالی	۲۱	۲۳	۲۲	۲۱	۲۴	۲۵	۲۷	۲۸.۸

منبع: «روابط اقتصادی مکسیکو - ایالات متحده: گرایش ها، داوها و پیامدها»، سرویس پژوهشی کنگره امریکا،

مارچ ۲۰۱۸

افزایش مهاجرت از مکسیکو نتیجه یک سری سیاست های نئولیبرال حکومت های پی در پی مکسیکو است که موجب فرار نیروی کار از این کشور به سمت ایالات متحده امریکا شده است. البته در سال های اخیر سرعت این مهاجرت کاهش یافته است.

انتخاب های نئولیبرالی که در این مدت توسط دولت های - میگوئل دلا مادرید- کارلوس سالیناس- ارنستو زدیلو- ویسنت فاکس- فیلیپه کالدرون و انریک پینا نیتو از احزاب راست حزب انقلابی نهادی و حزب اقدام ملی اتخاذ شده است ، باعث ویرانی سیستم حمایت دولتی (Ejido- ۱) بازمانده از انقلاب ۱۹۱۷ مکسیکو گردید. موج اول خصوصی سازی های سال های ۹۰ بعد از پیمان «نفتا» به ویژه در دوران سالیناس، اغلب مؤسسات دولتی مانند شرکت مخابرات

(telmex) ، شرکت هواپیمائی مکسیکو (Aviacia)، کارخانه نوب فلزات، اتوبان ها، فرودگاه ها- معادن و اغلب مؤسسات مالی را دربر گرفت. حراج اموال ملی، به پیدائی مثنی میلیاردی و میلیونر جدید منجر گردیده است. به طوری که در لیست میلیاردیهای مجله Forbes— ۲۳ میلیاردی جدید افزوده شد. کارلوس سلیم Carlos Slim یکی از ثروتمندترین مردان جهان (با بیش از ۷۰ میلیارد دلار دارائی) که در مکسیکو، انحصار مخابرات و تلویزیون مکسیکو را داراست و سهم عمده بازار الکترونیک را کنترل می کند نمونه ای بارز از این الیگارش می باشد.

سی سال سکون اقتصادی، خشونت پولیسی و کارتل های مواد مخدر، فساد اداری و مالی وسیع که توسط سازمان جهانی شفاف سازی افشاء گردیده (این سازمان مکسیکو را از این نظر در ردیف ۱۲۳ در بین ۱۷۶ کشور قرار داده است). تخریب زیست محیطی و درهم شکستن سیستم آموزشی همگانی و تأمین اجتماعی، خصوصی سازی شرکت های دولتی، عقب نشینی دائم مزدها در برابر افزایش سبب هزینه های زندگی و فقر و فاقه و بیکاری میلیونی نیز از نتایج مستقیم این سیاست ها است که همراه کشته و ناپدید شدن ۲۰۰.۰۰۰ نفر، حاصلی جز افزایش اعتراضات وسیع کارگری - دهقانی و بومیان نداشت. ناامیدی میلیون ها مکسیکوئی به تغییر اوضاع و خطر یک شورش همگانی - به عنوان نمونه در «آبوزیناپا»- ayozinapa- که به ناپدید شدن ۴۳ دانشجوی مدرسه تربیت معلم در سپتامبر ۲۰۱۴- منجر گردید. (۲)- و بن بست حاکمیت، راه حل «ابراذر» را بعد از ۲۰ سال مقاومت به این بورژوازی تحمیل کرده است.

این بار نیز ابرآذر با طرح «وفاق اجتماعی» و این که دولت بیان نمایندگی «شهروندی» است. و برنامه او «فراطبقاتی» است. درحقیقت با نفی تضاد طبقاتی، این طور وانمود می کند که منافع استثمار شونندگان و استثمار کنندگان را می توان در یک جا حل کرد. اما در جای دیگر با تضمین هایی که به انحصارات و بورژوازی در تأمین آزادی کسب و کار و احترام به پیمان های موجود کارگری می دهد، دست خودش را رو می نماید. کارلوس سالیناس و لوپز ابرآذر هر دو توافق دارند که زمان، زمان «آشتی ملی» است.

بررسی خود را با توضیحی کوتاه درباره خصوصی سازی منابع و بهره برداری نفت و مسأله آموزش و پرورش و پیوستی درباره جنبش زاپاتیستی ادامه می دهیم.

ادامه دارد

۱- (اجیدو- Ejido- مهمترین اقدام انقلاب ۱۹۱۰ و قانون اساسی ۱۹۱۷ با رهبران دهقانی چون زاپاتا و پانچو ویلا، مصادره زمینهای بزرگ اربابی و توزیع آن بین دهقانان بدون زمین بود که به ایجاد سیستمی حمایتی و جمعی به نام «اجیدو» منجر شد. در مقابل ناکارائی ها و بوروکراتیزه شدنی که در طول زمان این سیستم دچارش شده بود و عدم اصلاحات اساسی برای بهبود آن، قدرت حاکم لیبرال با ریاست کارلوس سالیناس در ۱۹۹۲ با کمک انحصارات همسایه شمالی، با لغو قرارداد بین المللی بر روی قهوه و عقد قرارداد «نفتا» به خصوصی کردن و نابودی آن همت گماشت. حاصل آن سرازیر شدن تولیدات کشاورزی یارانه ای و ارزان قیمت امریکائی به بازارهای مکسیکو بود و ورشکستگی دهقانان مکسیکوئی که قادر به رقابت با تولید کنندگان شمالی خود نبودند.)

۲- تظاهرات سپتامبر ۲۰۱۶ در مکسیکوسیتی به مناسبت دومین سالگرد ناپدید شدن ۴۳ دانشجوی مدرسه عالی تربیت معلم در ایالت «گِرِرو» guerrero با شعار «آنها را زنده بگیرید، باید زنده به ما باز گردانید» مستقیماً این عمل را «جنایتی دولتی» نام نهادند.